

بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم - حق بنیادین بشر

(با تکیه بر حقوق ایران و هند)

سیرالله مرادی‌نوده*

چکیده

حقوق بشر حقوقی بنیادین و انتقال‌ناپذیر است که هر فرد ساکن در هرکجای جهان صرفاً به جهت انسان بودن آنها را دارا می‌باشد. همچنین حقوقی بنیادین یا حقوق طبیعی هستند که برای توسعه کرامت انسانی و نشاط و ترقی جامعه ضروری می‌باشند. حقوق افراد برای برخورداری از محیط‌زیست سالم و تمیز جزئی از حقوق بشر می‌باشد که فوقاً ذکر شد. از طرف دیگر، حمایت از محیط‌زیست انسانی و توسعه آن به یکی از مسائل جهانی تبدیل شده است. محیط‌زیست به‌طور روزافزون از سوی فعالیت‌های انسانی مورد تهدید قرار می‌گیرد. اگرچه حقوق محیط‌زیست کشورها یکسان نیست و از هماهنگی‌های لازم برخوردار نمی‌باشد ولی صدمات وارده بر محیط‌زیست برای همه جهانیان اثرات تخریبی دارد، فلذا بایستی برای حفاظت از محیط‌زیست و حمایت از آن، نه فقط برای نسل حاضر بلکه برای حمایت از نسل‌های آینده، اقدامات لازمه هم در سطح جهانی و هم از طریق قوانین داخلی انجام شود. اولین کنفرانس جهانی در ارتباط با محیط‌زیست و حق برخورداری افراد

E-mail: sm.moshaver@yahoo.com

*. استادیار دانشگاه شهرکرد.



از محیط‌زیست سالم و تمیز در سال ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد و اعلامیه‌ای نیز در این زمینه صادر شد. در این اعلامیه به حق افراد در دسترسی به محیط‌زیست سالم و تمیز به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری تصریح شده است. قانون اساسی هند حاوی اصول مهمی در باره محیط‌زیست سالم و ضرورت توسعه آن می‌باشد. از آن گذشته، دیوان عالی کشور هند در دعاوی متعددی، از حقوق افراد جهت برخورداری از محیط‌زیست سالم دفاع کرده است. در ایران نیز، قانون اساسی و همچنین قوانین داخلی دارای اصول و مقرراتی راجع به توسعه محیط‌زیست و حمایت از آن به عنوان جزئی از حقوق بنیادین انسان می‌باشند.

واژگان کلیدی

محیط زیست، حقوق بنیادین بشر، استکهلم، توسعه، افراد، قانون اساسی هند و ایران.

مقدمه

منشور سازمان ملل متحد نخستین سند حقوقی است که در آن حق حیات برای انسان محترم شمرده شده است. در مقدمه این منشور بر اعتقاد همگانی به حقوق اساسی بشر از جمله بهبود استانداردهای زندگی و «حیات» تأکید شده است. حتی در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز «حق حیات» مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است. از این‌رو حق حیات اساسی‌ترین حق بشری است و با فرض وجود «حیات» انسان می‌تواند از سایر حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی بهره‌مند شود. لذا حق حیاتی که در منشور سازمان ملل و در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است حیاتی با عزت همراه با برابری است. البته بدیهی است که منظور از حق حیات در اینجا فقط به معنی زنده ماندن در طول مدت خاصی نیست بلکه معنای آن حق زندگی با استاندارد و با کیفیت و برخورداری از بهداشت در محل کار و زندگی است و آلوده کردن محیط‌زیست به معنای سلب حق حیات تفسیر می‌شود و در تضاد با



منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر مقررات مربوطه بین‌المللی قرار خواهد گرفت و آلوده‌کنندگان محیط‌زیست نیز ناقضین حقوق بشر و مستوجب تعقیب و مجازات خواهند بود. لذا هر فعالیتی که به محیط‌زیست آسیب برساند حتی اگر این فعالیت تحت عنوان پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی انجام شود نقض حق اساسی بشریت یعنی نقض حق حیات است.

آلودگی باعث برهم خوردن ترکیبات آب، هوا و خاک و کیفیت آنها می‌شود که در نتیجه کیفیت و استاندارد زندگی و حیات سالم کاهش می‌یابد. در اصل اول بیانیه کنفرانس سازمان ملل درباره محیط‌زیست بشر (استکهلم ۱۹۷۲)^۱ آمده است: «داشتن حق آزادی، حق برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط‌زیست با کیفیت که متضمن حیات با عزت و سلامت باشد از حقوق اساسی بشریت است و انسان نسبت به حمایت و بهبود بخشیدن وضعیت محیط‌زیست نسل حاضر و آینده بشر مسؤولیت دارد.»

رویکرد حقوق بشر و کرامت انسانی

حقوق بشر، به مثابه عالی‌ترین هنجار حقوقی فهم می‌شود که نسبت به حقوق موضوعه و نیز حقوق شخصی در مرتبه والاتری قرار دارد. سکوی حرکت برای توصیف حقوق بشر، همانا حرمت انسان است، که نه قابل انتقال و واگذاری است و نه صرف‌نظر کردنی. حقوق بشر حقوقی است جهان‌شمول، اخلاقی، بنیادین، مقدم و مجرد. بر پایه همین ویژگی‌هاست که نهادهای گردن حقوق بشر، چه در گستره حقوق بین‌المللی و چه در قلمرو حقوق ملی هر واحد جغرافیائی، از ضرورت عاجل برخوردار است. (Kapoor, 1998, p. 335.)

هم‌سازی دو رشته حقوق بشر و محیط‌زیست در نظام حقوق بین‌الملل در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید به روشنی قابل ملاحظه است. بند آغازین مقدمه این اعلامیه مقرر می‌دارد: «شناسایی ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشری مبنای اساسی آزادی و صلح در جهان می‌باشد.»^۲ مفسرین و نویسندگان حقوق بین‌الملل نسبت به شناسایی



و به رسمیت شناختن حق بهره‌مندی از محیط زیست تمیز و سالم اصرار داشته و آن را جزیی از حقوق بشر می‌دانند (Fawcett, 1968, p. 151.) پیوند بین حقوق بشر و محیط‌زیست در اصل اول اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم نیز بازگو شده است. این اصل مقرر می‌دارد: «انسان از حقوق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که کیفیت آن یک زندگی شرافتمندانه و مرفه را میسر می‌سازد، برخوردار است.» (A/Res. 2398 XXII). این اصل در واقع اعلام پذیرش حق برخورداری از محیط‌زیست سالم می‌باشد که ابزاری است در جهت نیل به شرایط مناسب محیطی و ایجاد امکان زندگی سعادت‌مندانه بشر در محیطی حقوقی مثل حق حیات، مشارکت سیاسی، آزادی‌های فردی، برابری، جبران خسارات قانونی و مواردی از این دست که همگی وسایلی هستند که در مورد حفاظت و حمایت حقوقی از مساله محیط زیست کاربرد دارند. خسارت‌ها و پیامدهای زیانبار زیست محیطی ناشی از آلاینده‌ها بر کلیه زیبایی‌های مظاهر مختلف طبیعت و گونه‌ها، با شرایط مناسب حیات بشری مغایرت دارد. زیرا اختلال اکوسیستم‌ها و به هم خوردن تعادل آنها سلامت جسمی و روحی انسان را به خطر می‌اندازد. با این حال، به دلایل متعدد شناسایی حقی مستقل درخصوص برخورداری از محیط‌زیست سالم و بهداشتی، ارزشمندتر از اکتفا به آن به عنوان حقی وابسته به دیگر حقوق اساسی بشری است (Brierly, 1963, p.267). به‌طور مثال، نابرابری در وضعیت اقتصادی به وسیله صدمات زیست‌محیطی بیشتر می‌شود و شناسایی حق برخورداری از محیط‌زیست سالم می‌تواند به وسیله‌ای برای اعمال سایر حقوق بنیادین بشر تبدیل شود (Verma, 1998, p.237).

در دین مبین اسلام نیز قاعده فقهی لاضرر (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) وجود دارد که بر طبق آن ضرر و زیان زدن به شخص یا اشخاص دیگر به هیچ وجه روا نیست و پیامبر اسلام - صلی‌الله علیه وآله وسلم - به شدت آن را نهی فرموده است (حسینی، ۱۳۷۷، ص ۶۹) امروزه آلودگی محیط‌زیست مصداق بارز ضرر وارد نمودن به سلامت افراد جامعه به شمار می‌آید. به طور خلاصه، محیط زیست برای موجود زنده، حاصل مجموعه‌ای از تعادل‌هاست که بر هم خوردن هر کدام ضمانت دوام زندگی را تضعیف می‌کند. باید باور داشت که در خلقت هر



کدام از موجودات زنده حکمتی وجود دارد و ناپدید شدن هرگونه گیاهی یا حیوانی بر آسیب‌پذیری سایر گونه‌ها در بلندمدت اثر می‌گذارد. (شاه ولی و کاوری زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴)

قرآن کریم ضمن این که برای انسان کرامت و ارزش والائی قائل است (اسرا، ۷۰)، برخورداری انسان از حقوق بنیادین انسانی از جمله حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را حق مسلم وی می‌داند، حمایت از محیط‌زیست راهم توصیه می‌کند. این کتاب مقدس مسلمانان مملو از اشارات به منابع ارزشمند حیاتی یعنی آب، هوا و خاک است و مسلمانان را از اسراف نهی می‌کند.^۳ از سوی دیگر احادیث نیز بیانگر دغدغه معصومین علیهم السلام درباره حفظ محیط منابع طبیعی و توزیع عادلانه آنها در میان همه مردم است.^۴ اسلام از همان بدو پیدایش یعنی هزار و چهارصد سال پیش اصولی را برای شناخت زیست محیطی که لازمه کسب شایستگی خلیفه الهی است، به انسان‌ها عرضه کرد. به عقیده بسیاری از متفکران مسلمان، بحران زیست محیطی نشانه‌ای است از یک فاجعه بزرگتر یعنی دور شدن انسان‌ها از زندگی‌ای که مطابق با خواست خداوند است. یک جامعه مبتنی بر عدالت که در آن روابط انسان‌ها با یکدیگر و با خداوند به طور شایسته برقرار گردیده است به راحتی دچار معضلات زیست محیطی نخواهد شد. (نمل، ۳۴)

برخی از محققین معتقدند که ادامه تخریب و تهدید زیست محیطی که به دست انسان صورت می‌گیرد، دیر یا زود مرگ کره زمین و موجودات آن از جمله انسان را به دنبال دارد. (Johnson, 1972, p.257) اگر آدمی هیچ‌گونه معنای ژرف و شایسته احترام را در طبیعت مشاهده نکند و آن را از حالت قدسی خالی ببیند، چنان از آن بهره‌برداری می‌کند که به نابودی آن بینجامد. بحران زیست محیطی کنونی که به حق، افکار عمومی را سخت مضطرب ساخته، نتیجه‌ای روشن از این طرز برخورد انسان فنی است.

حقوق افراد نسبت به برخورداری از محیط زیست سالم و پاکیزه در معاهدات بین‌المللی موجود

اصطلاح محیط‌زیست گرچه در هیچ‌یک از کنوانسیون‌ها، معاهدات و بیانیه‌های مهم بین‌المللی تعریف نشده اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت که محیط زیست به همه شرایط و



عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبا شناختی اطلاق می‌شود که اشیا و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذار است. پس هر چه در دور و اطراف خود می‌بینیم در محدوده معنی و مفهوم این اصطلاح قرار می‌گیرد. از طرف دیگر محیط‌زیست مرزی هم نمی‌شناسد تا در آن محدود و محصور شود و اثرات تخریب آن در یک کشور به کشور یا کشورهای دیگر سرایت نکند. از این‌رو، حفاظت از محیط زیست نباید دغدغه یک یا چند کشور تلقی شود بلکه همه کشورها در این زمینه باید مسئولیت پذیر باشند. (Springer, 1983, p.204)

همچنان‌که در فوق اشاره شد، بند نخستین مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر شاید اولین مفاد یک سند بین‌المللی در تایید هم‌سازی دو رشته حقوق بشر و محیط‌زیست است. اصل اول اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم^۵ نیز به پیوند نا گسستنی حقوق بشر و محیط‌زیست به عنوان حقوق بنیادین بشر تأکید دارد. به نظر می‌رسد حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم و تمیز، همانند هر حق دیگری است که برای افراد تضمین شده است. حقوق افراد بر داشتن محیط‌زیست سالم را می‌توان به عنوان حقوق افراد به برخورداری از محیط‌زیستی که از هرگونه تخریب و صدمه مورد حفاظت قرار گرفته و در برخی موارد، وضعیت آن بهبود یافته است، تفسیر کرد. به طور مختصر، این حق بر حفاظت از محیط‌زیست دلالت دارد و این واژه هم حفاظت و هم بهبود محیط‌زیست را در بر می‌گیرد. (Olmstead, 1972, p.245)

اعمال و اجرای حق برخورداری افراد از محیط‌زیست سالم و تمیز همانند هر حق دیگری برای افراد تضمین شده است. بدان معنی که، شناسایی این حق برای افراد مستلزم شناسایی حقی بر حفاظت و بهبود محیط‌زیست با حق رجوع و توسل به نهادهای صالح جهت دادخواهی می‌باشد. بر این اساس حق برخورداری از محیط‌زیست سالم همانند سایر حقوق تضمین شده برای کلیه افراد خواهد بود با این حال، تفاوت‌هایی نیز با آنها دارد. دادرسی عادلانه زیست‌محیطی احتمالاً از وسایل طبیعی جبران خسارت در موضوعات مدنی و کیفری متفاوت خواهد بود. زیرا محیط‌زیست را از طریق تدابیر پیشگیرانه می‌توان به درستی حفاظت کرد.



مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات زیست محیطی وسیله‌ای برای اجرای قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. حقوق بین‌الملل قراردادی محیط‌زیست به تدریج در حال ایجاد تعهدات رفتاری برای دولت‌هاست که بایستی در قبال افراد با سازمان‌ها اجرا گردند. ایجاد و توسعه این قواعد مستلزم تاسیس سازوکارهایی است که پابندی آنها به تعهدات و قواعد مذکور را تضمین نمایند. یکی از این سازوکارها، رژیم حقوقی است که مسئولیت مدنی و لزوم پرداخت خسارت در قبال خسارت زیست محیطی را مقرر می‌نماید. بر اساس ماده ۱۶ پروتکل الحاقی حفاظت از محیط‌زیست به معاهده جنوبگان، دولت‌های عضو پروتکل خود را متعهد کرده‌اند که قواعد و تدابیر مربوط به مسئولیت مدنی خسارات ناشی از اقداماتی را که در حوزه معاهده جنوبگان انجام می‌شوند، کنوانسیون تنظیم اقدامات راجع به منابع مدنی جنوبگان (کرامرا) که هنوز لازم‌الاجرا نشده است، این مسئولیت را مقرر نموده بر اساس ماده هشت، هر کارپرداز و اپراتور در خصوص خساراتی که به محیط‌زیست جنوبگان یا اکوسیستم‌های وابسته یا پیوسته به آن وارد کند، به طور مطلق مسئول است. و همچنین کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی خسارات ناشی از اشیای فضائی ۱۹۷۲ مقرر می‌دارد: هر دولت تغذیه‌کننده در قبال پرداخت غرامت خسارات ناشی از اشیای فضائی خود بر سطح زمین، مطلقاً مسئول خواهد بود. این مسئولیت بعدها گسترش یافته است. اما دو معاهده بین‌المللی لاحق، تا حدی که به مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی مربوط می‌شوند، در این خصوص در سطح مشابهی نیست. چنانکه آن دو معاهده مستقیماً پرداخت غرامت به خاطر خسارات وارده بر محیط‌زیست را پیش‌بینی نمی‌کنند بلکه بیشتر پرداخت غرامت را برای ایراد زیان یا صدمه اساسی به حیات و سلامتی انسان مقرر می‌دارند. (paul, 1976, p.154)

مناسبت‌های متعددی وجود داشته است که طرفداران حقوق بشر در جهت دفاع از حقوق بشر به طرق مختلف از محیط زیست حمایت کرده و اقدام علیه محیط زیست را اقدام علیه حقوق بشر تلقی کرده‌اند. (Momtaz, 1996, p.26) از آن گذشته، طرفداران محیط‌زیست بعضی وقت‌ها از طریق ابراز نگرانی در رابطه با افراد بومی و محلی یعنی کسانی که زندگی و فرهنگشان از طریق توسعه برنامه‌هایی که اساس منابع طبیعی آنها را تخریب می‌کند،



حمایت‌های قابل توجهی را به طرفداران حقوق بشر کرده‌اند به‌طور مثال، وقتی که حکومت هند برنامه‌های مربوط به سد ردار سارور و دیگر طرح‌های آبیاری را توسعه داد طرفداران حقوق بشر و محیط‌زیست در سرتاسر جهان حکومت هند را مورد انتقاد قرار دادند که چرا در زمان طرح و تصویب این پروژه، مطالعه دقیق و درستی به‌عمل نیاورده که امروزه با اجرای این طرح تعداد زیادی از مردم بی‌خانمان شده‌اند. بانک جهانی هم تصمیم به ساخت این سد را اقدامی علیه حقوق بشر تلقی کرده است. (Verma, 1998, p.250)

کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه از ایده به رسمیت شناختن حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به عنوان حق اساسی تمام افراد بشر حمایت کرده است. اما این مسأله همچنین مورد توجه قرار گرفته است که حقوق بین‌الملل نتوانسته است حق برخورداری از محیط سالم را جزء بنیادین حقوق بشر برسمیت بشناسد زیرا که فقدان تعریف مشخصی از چنین حقی در معاهدات بین‌المللی سبب این امر شده است. (Orliange, 1993, p.826)

حقیقت این است که هیچ معاهده‌ای وجود ندارد که به طور صریح حق برخورداری از محیط‌زیست پاکیزه را برسمیت شناخته باشد. در اصل اول اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم در رابطه با محیط‌زیست انسانی مقرر می‌دارد که «هر انسانی باید از حقوق اساسی راجع به آزادی، عدالت و شرایط مساوی زندگی در یک محیط شرافتمندانه برخوردار باشد.» با این حال اگر اصل مذکور را مورد بررسی دقیق قرار دهیم، شاید نامناسب نباشد اگر گفته شود که این اصل حق فردی را برای برخوردار شدن از محیط‌زیست سالم برسمیت شناخته است. متأسفانه، بسیاری از نویسندگان دوست ندارند یک چنین تفسیری را از این اصل داشته باشند. (Kiss, 1989, p.314)

بازهم، ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر مقرر می‌دارد که «تمام مردم حق خواهند داشت از یک محیط زیست رضایتبخش و مناسب برای رشد و توسعه خود برخوردار باشند.» همچنان که ملاحظه می‌شود این ماده یک مجموعه حقوقی را در مورد محیط‌زیست سالم در بر دارد ولی نه این که حق فردی برای برخورداری از محیط زیست سالم قایل شده باشد.

یکی از جنبه‌های اساسی حمایت از حقوق بشر، تضمین اجرای این حقوق است (Meron, 1984, p.217) حق داشتن آزادی، حق برخورداری از امنیت و حق برخورداری از



محیط‌زیست سالم از جمله این حقوق می‌باشند که اجرای آنها بایستی تضمین شود. حقوق بشر، مساله وجود و اعمال مناسب تدابیر معین حمایتی از افراد در برابر آزادی عمل دولت‌ها را تضمین می‌کند. حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را می‌توان نه به عنوان حق برخورداری از محیط‌زیست سالم ایده آل و آرمانی بلکه به عنوان حق برخورداری از محیط‌زیست موجود که از هرگونه تخریب و صدمه مورد حفاظت قرار گرفته و در برخی موارد، وضعیت آن بهبود یافته است، تفسیر کرد. به نظر می‌رسد حق برخورداری از محیط‌زیست سالم، از نظر اجرا همانند هر حق دیگری است که برای افراد و گروه‌ها تضمین شده است. البته این امر بر وجود تدابیر موثر دلالت دارد. بر این اساس حق برخورداری از محیط‌زیست سالم همانند سایر حقوق تضمین شده برای کلیه افراد خواهد بود. (Robertson, 1989, p. 320)

معاهدات بین‌المللی همیشه به روشنی این تفکیک را قائل نمی‌شوند که قصد آنها حفاظت از محیط‌زیست در برابر خسارات است یا حفاظت از بهداشت، حیات، اموال و نظایر آن در برابر خسارات زیست محیطی. کنوانسیون مسئولیت مدنی به خاطر خسارات وارده بر محیط‌زیست در اثر اقدامات خطرناک ۱۹۹۳ (کنوانسیون لوگانو) مصداقی از این امر است. براساس ماده ۱ این معاهده، هدف آن پرداخت غرامت کافی و مناسب برای خسارات ناشی از اقدامات خطرناک برای محیط‌زیست است. در تعریف واژه «خسارت» زیان‌های وارده بر حیات، ضرب و جرح و صدمات فردی، زیان یا خسارت وارده بر اموال و همچنین زیان و خسارت ایجاد شده به وسیله ایجاد اختلال در محیط‌زیست را مطرح کرده و در بر می‌گیرد. درنهایت پرداخت غرامت برای زیان یا خسارت ناشی از ایجاد اختلال در محیط‌زیست محدود است در حالی که پرداخت غرامت برای سایر خسارات از جمله خسارات وارده بر حیات و سلامتی افراد این چنین نیست. در عین حال، حقوق ملی نیز رژیم‌هایی را در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی ارائه کرده است. تشخیص مناسب هدف یک رژیم ارائه‌کننده مسئولیت مدنی خسارات زیست محیطی احتمالاً مشکلی است که پروژه‌های در پی تأسیس این رژیم با آن رو به ر و می‌شوند. این رژیم‌ها به عنوان مثال بر اساس پروتکل الحاقی حفاظت محیط‌زیست به معاهده جنوبگان^۶ یا مطابق با کنوانسیون بازل



پیرامون کنترل نقل و انتقالات فرا مرزی زایدات خطرناک و دفع آنها پیگیری می‌شوند. ایجاد و تأسیس این رژیم پیشتر در کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریایی به وسیله تخلیه مواد زاید خطرناک و سایر مواد در دریا (ماده ۱۰)، کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریایی دریای بالتیک (ماده ۱۷)، کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریای مدیترانه در برابر آلودگی (ماده ۱۲)، کنوانسیون همکاری در حفاظت و توسعه محیط‌زیست دریایی و ساحلی منطقه افریقای غربی و مرکزی (ماده ۱۵)، کنوانسیون حفاظت و توسعه محیط‌زیست دریایی دریای کارائیب (ماده ۱۴)، کنوانسیون حفاظت و توسعه محیط‌زیست دریایی منطقه افریقای شرقی (ماده ۱۵) و کنوانسیون حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست منطقه اقیانوس هند جنوبی (ماده ۲۰) پیش‌بینی شد.

نگرانی‌های گسترده و عمیقی که بعضاً از بروز فاجعه‌های زیست محیطی در گوشه و کنار این دنیای پهناور به‌وجود می‌آید، اغلب حاصل فعالیت‌هایی است که بشر به ویژه از یکصد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرآیند صنعتی‌شدن، به آنها دست یازیده و مآلاً باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شده است.

بالأخره در پایان دهه ۶۰ در پی اعلام خطر دانشمندان، افکار عمومی نسبت به خطراتی که حقوق و حتی حیات انسان‌ها را تهدید می‌کند برانگیخته شد و مدت‌ها فکر انسان را به خود مشغول داشت و نشست‌های بین‌المللی متعددی را شکل داد. سازمان‌های بین‌المللی نیز وجود خطرات تهدیدکننده را به رسمیت شناختند. بطوری‌که در سال ۱۹۵۴ کنوانسیون ممانعت از آلودگی دریا تصویب شد که به موجب آن هر کشتی که موجب آلودگی دریا گردد توسط کشور صاحب پرچم قابل مجازات خواهد بود. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۳ جای خود را به کنوانسیون مارپل (کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریا) و پروتکل الحاقی ۱۹۷۸ آن داد.^۷ در سال ۱۹۵۸ کنوانسیون ژنو در خصوص دریای آزاد تصویب شد که در مواد ۲۴ و ۲۵ آن کشورهای عضو متعهد شدند که از آلودگی دریا از مواد رادیواکتیو و سایر مواد آلاینده ممانعت کنند.^۸ در سال ۱۹۶۸ دو سند اصولی را شورای اروپا در خصوص کنترل آلودگی آب و هوا تصویب کرد و همچنین سازمان وحدت آفریقا کنوانسیون را راجع به حفاظت از طبیعت و



منابع طبیعی به عنوان یک الگوی جامع در بیان وجود ارتباط نزدیک مسائل زیست‌محیطی با حفاظت از منابع طبیعی و بهره‌برداری از منابع خاک، آب، نبات و جانوران، کشورهای عضو متعهد شدند که از آلودگی محیط‌زیست خودداری کنند و نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد دعوت به تشکیل کنفرانس جهانی در باره محیط‌زیست انسان را تصویب نمود. (حبیبی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

سال ۱۹۷۲ کنفرانس جهانی به ابتکار سازمان ملل متحد در استکهلم با حضور ۶۰۰ نماینده از ۱۱۳ کشور جهان تشکیل شد و در این کنفرانس اعلامیه محیط‌زیست بشر که نقش مهمی در روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ایفا کرده است، صادر شد. اصل اول از این اعلامیه اظهار می‌دارد: انسان نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با وقار و سعادت‌مندانه را می‌دهد، حقوقی بنیادی دارد و مسئول حفظ و بهبود محیط‌زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده است. (Olmstead, 1972, p. 253)

حقیقت این است که در حقوق بین‌الملل در جهت تضمین حقوق افراد نسبت به داشتن محیط‌زیست سالم و تمیز تصریح نشده و معاهده‌ای هم در این زمینه وجود ندارد بلکه تلاش‌های امروزی در این راستاست که این حقوق را از حقوق دیگر از جمله حقوق مربوط به زندگی، سلامتی و بهداشت و دارائی افراد استنتاج کنند. با این وجود، عملاً محاکم بین‌المللی روش خاصی را در جهت تصدیق حق برخورداری افراد از محیط‌زیست سالم در چارچوب حقوق ذکر شده در فوق در پیش نگرفته‌اند. به‌طور مثال، وقتی که فردی به موجب بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد اعلام کرد که فروش پس مانده‌های هسته‌ای در یکی از شهرهای کانادا، حیات ساکنین آن منطقه و نسل‌های آینده را به مخاطره انداخته است و درخواست رسیدگی به این موضوع را نمود، درخواست وی به این دلیل که موضوع باید در مرحله اول در مراجع ذیربط محلی مورد رسیدگی قرار گیرد و راه حل‌های محلی جستجو شود و سپس چنانچه راه حل محلی یافت نشد به مراجع بین‌المللی مراجعه شود، رد شد. (Verma, 1998: 243) همچنین، علی‌رغم این که ماده ۸ کنوانسیون



اروپایی حقوق بشر برای زندگی خصوصی، خانوادگی و مسکن افراد احترام قائل است، ماده ۱ از پروتکل ۱ این کنوانسیون از دارایی و اموال حمایت می‌کند لیکن زمانی که یک فردی از وجود صداهای فرودگاهی به دیوان اروپائی حقوق بشر شکایت کرد و در شکایت خود به این مقررات استناد نمود، شکایت ایشان رد شد. هرچند که محکمه می‌توانست به وجود تناقض بین کیفیت زندگی فردی و محیط‌زیست که به نقض حقوق فردی منجر شده بود متمسک شود ولی چون در این زمینه مقررات معاهده‌ای وجود نداشت لذا این شکایت مورد قبول واقع نشد. (Sing, 1995, p.18) مع‌الوصف، از سوی مراجع بین‌المللی قدم‌هایی در جهت حمایت از حقوق افراد نسبت به برخورداری از حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم برداشته شده است که این اقدامات عمدتاً در غالب قطعنامه و اعلامیه می‌باشد. مثلاً برای اولین بار، اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ میلادی، داشتن محیط‌زیست سالم برای افراد بشر را برسمیت شناخت و آن را از مظاهر حقوق بشر تلقی نمود هر چند که صریحاً به موضوع «محیط‌زیست سالم و تمیز» اشاره نکرده است. ماده ۲ این اعلامیه به‌عنوان منبعی برای حمایت از محیط‌زیست محسوب می‌شود. این ماده مقرر می‌دارد که حمایت از محیط‌زیست پیش‌نیاز خوب زیستن افراد و نسل‌های آینده است و تأمین این محیط وظیفه همه دولت‌هاست.^۹ بر همین اساس، بسیاری از صاحب‌نظران را عقیده بر این است که به محیط زیست باید به‌عنوان جزء لاینفک زندگی نوع بشر نگاه کنیم نه به‌عنوان یک مصرف‌کننده و اگر چنانچه حق بهره‌مندی از محیط‌زیست تمیز و سالم به‌عنوان نیاز به زنده ماندن و ادامه حیات بشری مورد پذیرش می‌باشد، پس در واقع حق بهره‌مندی از محیط زیست تمیز و سالم، یک حق جهانی تلقی خواهد شد چراکه نجات جان انسان‌ها به‌عنوان یک وظیفه جهانی و همگانی است. به عبارت دیگر، حق بهره‌مندی از محیط زیست تمیز و سالم جزء لاینفک حقوق بشر بوده و به‌عنوان مبنائی‌ترین نیاز نوع بشر شناخته می‌شود و حتی از حقوق بشر فردی اساسی‌تر و مهم‌تر است. (weiss, 1995, p. 13) عده‌ای دیگر معتقدند که حق داشتن محیط‌زیست تمیز و سالم تاکنون جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی در آمده و احترام به این حق و اعمال و اجرای آن وظیفه همه کشورهاست.



در دسامبر سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای را صادر کرد و در آن از محیط‌زیست سالم به‌عنوان مظهر حقوق بشر یاد کرد و نیز در اعلامیه لاهه که در سال ۱۹۸۹ توسط کنفرانس راجع به محیط زیست به تصویب رسید، مقرراتی درخصوص وظایف اصلی دولت‌ها در جهت حفاظت محیط زیست و نیز راجع به حقوق افراد برای داشتن زندگی شرافتمندانه در نظر گرفته شده است. این اعلامیه در صدد ایجاد ارتباط بین فعالیت سازمان ملل متحد در خصوص توسعه و پیشبرد حقوق بشر و توافقات بین‌المللی جهت کنترل آلودگی محیط‌زیست می‌باشد. اگرچه این اعلامیه از نظر حقوقی ضمانت اجرایی ندارد، اما کشورها را مجاب می‌کند تا در رابطه با مسائل زیست‌محیطی که خود از امور اساسی می‌باشد باهم تشریک مساعی و همکاری نمایند. (Kiss, 1989, p. 216)

در یک کنگره‌ای که در سال ۱۹۸۹ راجع به تدوین قوانین و مقررات الزام‌آور در خصوص محیط‌زیست تشکیل شد، در بیانیه نهایی این کنگره به ضرورت تأسیس یک سازمان بین‌المللی در چهارچوب سیستم سازمان ملل متحد جهت مدیریت محیط‌زیست بین‌الملل و نیز تأسیس یک محکمه بین‌المللی اشاره شده است، تا این محکمه مرجعی باشد جهت دادخواهی کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و حتی شهروندان و اشخاص حقیقی و دیگر تابعین حقوق بین‌الملل در خصوص مسائل و اختلافات ناشی از محیط زیست (Verma, 1998, p. 250). بسیاری از صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل بر این باورند که اگر دولتی به محیط زیست صدمه بزند و این اقدام موجب آسیب‌رساندن به فرد یا گروهی گردد، در واقع مقررات حقوق بین‌الملل را در زمینه حقوق بشر نقض کرده و دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود، زیرا که هرکس حق دارد در محیطی سالم و دور از آلودگی زندگی بکند. از این نظریه چنین استنباط می‌شود که کشورها وظیفه اساسی دارند تا از تخریب محیط زیست که حیات بشری را به مخاطره می‌اندازد جلوگیری بکنند. بر همین اساس کشورها ملزم هستند که در جهت ممانعت از آلودگی هوا، آب و خاک با ارتقاء استانداردها و کیفیت زیست محیطی به‌عنوان توسعه حقوق بشر و احترام به آن اقدامات لازمه را انجام دهند. این نظریه هنوز از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در حال بررسی است. ضمن این که این شورا اعلام کرد که اسناد بین‌المللی متعددی وجود دارد که از حقوق



افراد در مقابل تهدید علیه محیط‌زیست که منجر به تهدید علیه حیات بشری محسوب می‌شود، حمایت می‌کنند. کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس ملل متحد راجع به محیط زیست و توسعه (UNCED) در سال ۱۹۹۲ در خصوص حمایت از قربانیان تخریب محیط زیست با هم به توافق رسیدند.^{۱۰}

توسعه حق بهره‌مندی افراد از محیط‌زیست تمیز و سالم در حقوق داخلی کشورها

خوشبختانه در سال‌های اخیر موج آگاهی‌های مربوط به اهمیت محیط زیست و تأثیر آن در زندگی سالم افراد جامعه، پهنه کشورهای در حال توسعه را نیز فرا گرفته و در کنار سازمان‌های دولتی یاد شده، مردم آن کشورها هم منفرداً یا مجتمعاً در راه پاسداری از سلامت محیط‌زیست و جلوگیری از فعالیت‌های مخرب آن، تلاش می‌کنند. اما بدیهی است که در یک روند مسالمت‌آمیز، به ثمر نشستن این تلاش‌ها صرفاً در گرو قانونگذاری صحیح و پویا و متناسب با موقعیت زمانی و مکانی و همچنین همکاری قوه قضاییه و محاکم دادگستری خواهد بود. به عبارت دیگر، با قاطعیت می‌توان گفت که بدون وجود قوانین و مقررات مناسب و با ضمانت اجرای قوی و نیز بدون همراهی قوه قضاییه، فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی محافظ محیط زیست، ثمربخش نخواهد بود.

اگر بخواهیم حداقل در بین کشورهای در حال توسعه، که ایران نیز در همین گروه جای دارد، به معرفی نمونه‌ای از یک نظام قضایی بپردازیم که با رویه‌ای که ایجاد کرده، در حفاظت از محیط‌زیست، نقش چشمگیر و ابتکاری داشته، با اطمینان می‌توان از قوه قضاییه هند نام برد. در ادامه مقاله به تحلیل و تبیین برخی از فرازهای این نقش می‌پردازیم، به امید آن‌که شاهد ایفای نقش فعال‌تری از سوی قوه قضاییه کشورمان نیز در این خصوص به ویژه با توجه به مسائل پیش آمده اخیر در مورد آلودگی هوای تهران و برخی دیگر از کلان‌شهرهای ایران، که بار دیگر اهمیت و ضرورت به‌کارگیری تمامی تمهیدات تشویقی را در حفاظت از محیط زیست یادآور شد، باشیم.



الف) بررسی حقوق محیط‌زیست هند

قانون اساسی هند مصوب ۲۶ نوامبر ۱۹۴۹ که در ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا شد، در بر دارنده اصول مهمی درباره حفاظت از محیط‌زیست است. اصول راجع به نظام ایالتی و وظایف اساسی دولت و ملت به‌طور واضح تعهد ملی را در مورد حمایت از محیط‌زیست مورد توجه قرار داده است. دو اصل جدیدی که در فرآیند اصلاحیه قانون اساسی هند (پیرو اعلامیه استکهلم) به آن اضافه شد یعنی اصل‌های آ-۴۸ و (جی) آ-۵۱، حمایت از محیط‌زیست و بهبود بخشیدن به آن را از جمله وظایف حاکمیت و شهروندان آن کشور قرار داد.

اصول ۳۲ و ۲۲۶ از قانون اساسی هند نیز دیوان عالی^{۱۱} و دادگاه‌های عالی ایالتی^{۱۲} را قادر می‌سازد تا احکامی که در حقوق عرفی معمول است را برای جلوگیری از تجاوز به حقوق شهروندان به کار برند. اصل ۲۱ قانون اساسی هند نیز که در بخش «حقوق بنیادین» جای دارد، در شناسایی محیط‌زیست سالم به عنوان حق بشر، مورد استناد محاکم هند قرار گرفته است. طبق اصل ۲۱ هیچ فردی را نمی‌توان از زندگی و آزادی شخصی‌اش محروم کرد مگر وفق قانون. در قوانین داخلی هند نیز مقرراتی در جهت حمایت از حقوق بنیادین انسانی و همچنین حمایت از محیط‌زیست سالم برای افراد پیش‌بینی شده است. از جمله، قانون پیشگیری و کنترل آلودگی آب، مصوب سال ۱۹۷۴، قانون پیشگیری و آلودگی هوا، مصوب ۱۹۸۱، قانون حفاظت محیط زیست، مصوب ۱۹۸۶. دیوان عالی هند نیز، در آراء متعددی که صادر کرده حق بشر به داشتن محیط‌زیست سالم و تمیز را بخش اساسی و بنیادین این کشور دانسته و صریحاً اعلام کرده است که حق حیات بشر، موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی آن کشور، صرفاً شامل یک حیات حیوانی نیست بلکه منظور زندگی شرافتمندانه‌ای است که مطابق شأن انسان باشد و طبعاً تحقق چنین حقی منوط به برخورداری از محیط‌زیست سالم و تحت کنترل از نظر آلودگی خواهد بود. (ارشدی، ۱۳۸۶، ص ۳).

دیوان عالی هند در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به آلوده‌کردن محیط‌زیست و تأمین خسارات وارد شده به اشخاص حقیقی و حقوقی، آنجا که لازم دیده برخی از قواعد و احکام نظام حقوق عرفی را تغییر داده است. به عنوان مثال در جریان رسیدگی به پرونده نشت گاز



سمی از کارخانه شیریرام^{۱۳} در ۱۹۸۵، در شهر دهلی که منجر به کشته شدن یک نفر و بیمار گشتن تعدادی دیگر شد، دیوان عالی هند اصل «مسئولیت مطلق»^{۱۴} را معرفی نمود. مفاد اصل جدید بیانگر آن است که کسی که فعالیت‌هایش موجب آلودگی محیط‌زیست شده باید جبران کلیه خسارات جانی و مالی را بر عهده گیرد و این که وی تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه‌ای را انجام داده و اهمالی از او در این باره سر نزده بوده است، دفاع موجهی در عدم پرداخت خسارات وارده، محسوب نمی‌شود! جبران خسارات ناشی از نشت گاز سمی MIC از کارخانه یونیون کارباید^{۱۵} در شهر بوپال هند، در دسامبر سال ۱۹۸۴، و منجر به کشته‌شدن حدود سه هزار نفر و مصدوم شدن ده‌ها هزار نفر از اهالی منطقه شد نیز طبق اصل مسئولیت مطلق به عمل آمد. (Rosencranz, 2001, p.113)

در دعوی رورال علیه نیروی هوایی ایالت یو پی در سال ۱۹۸۸ دیوان عالی کشور هند اعلام داشت که حق برخورداری افراد از محیط زیست سالم جزئی از حقوق فردی برای داشتن حق حیات و آزادی شخصی محسوب می‌شود که در ماده ۲۱ قانون اساسی هند آورده شده است و این امر راه را باز کرده است بر این که حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را در شکل و قالب حقوق بشر برای افراد برسمیت بشناسیم. (Kurukulasuriya, 2003, pp. 90-115) و همچنین، در شکایت‌هایی که علیه استخراج سنگ آهک در منطقه میسوری هند شده بود ادعا شده بود که این نوع استخراج موجب آلودگی محیط زیست و در نتیجه موجب برهم خوردن توازن زیست محیطی می‌شود. دیوان‌عالی کشور هند دستور داد چنین استخراجی متوقف شود چرا که این استخراج‌ها توازن زیست محیطی را برهم زده است. این دیوان نظر داد که بهره‌مندی از حق حیات و دستاوردهای آن و اعمال تضمینات مقرر در ماده ۲۱ قانون اساسی هند مستلزم حمایت و مراقبت از مواهب طبیعی است که افراد انسانی باید از آنها بهره‌مند شوند. (Sing, 1995, p. 160) همچنین، حق فرد نسبت به برخورداری از محیط‌زیست سالم، در سال ۱۹۹۱ توسط دیوان‌عالی کشور هند در پرونده ساباش کمار علیه ایالت بیچار برسمیت شناخته شد. در این پرونده، دیوان‌عالی کشور اعلام کرد که حق حیات به موجب ماده ۲۱ قانون اساسی هند تضمین شده است و این حق مشتمل است بر حق بهره‌مندی از آب و هوای سالم و پاکیزه. (thakur, 1991, p.75) در



پرونده ویرندراگار و دیگران علیه ایالت هاریانا در سال ۱۹۹۵ نیز دیوانعالی کشور نظر داد که ماده ۲۱ قانون اساسی هند از حق حیات افراد به‌عنوان حقوق اساسی افراد حمایت می‌کند. حق بهره‌مندی از یک زندگی شرافتمندانه و انسانی، حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم، توازن و تعادل زیست محیطی، دوری از آلودگی هوا و آب از مظاهر حق حیات و حقوق اساسی افراد انسانی است. هر عمل مغایر و ناقض این حقوق، مثلاً آلوده‌کردن محیط‌زیست، آب و هوا با ماده ۲۱ قانون اساسی هند مغایرت خواهد داشت. (Sing, 1995, p. 168) در واقع در هندوستان، در بسیاری از ایالت‌ها، دادگاه عالی آن ایالت‌ها، حق بهره‌مندی افراد از محیط زیست سالم را طبق ماده ۲۱ قانون اساسی برسمیت شناخته‌اند. صرف‌نظر از این که حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم از ماده ۲۱ قانون اساسی هند استنباط می‌شود محاکم هند، اغلب از مواد ۴۸ و ۵۱ قانون اساسی این کشور نیز مقررات مربوط به موضوعات محیط زیست را استخراج می‌کنند.

از تجزیه و تحلیل مقررات مربوط به محیط زیست در قانون اساسی هند و در کنار آن توجه به رویه قضایی موجود در آن کشور این نتیجه بدست می‌آید که حقوق افراد انسانی در خصوص داشتن حق برخورداری از محیط‌زیست سالم و عاری از آلودگی در قانون اساسی و رویه قضایی هند، حد اقل در تئوری، تضمین شده است. هند از جمله کشورهایی است که حق برخورداری افراد از محیط‌زیست سالم را به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی حقوق بشر توسعه داده است. هرچند که بهره‌مندی از این حق برای افراد ملت در کشور هند هنوز در آغاز راه خود بوده و تا پیدا کردن جایگاه واقعی خودش راه طولانی در پیش دارد ولی از سوی محاکم هند در جهت حمایت از این حق حرکت‌هایی شروع و قدم‌هایی برداشته شده است.

اما نکته مهمی که در ارتباط با دعاوی زیست‌محیطی در هند باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد آن است که بیشتر دعاوی مزبور از طریق «دادخواهی به نفع عموم»، به دادگستری آن کشور راه پیدا کرده و به واسطه آن، قوه قضاییه هند توانسته است تا روند تخریب و آلودن محیط‌زیست توسط صنایع اعم از دولتی و خصوصی را تا حد قابل توجهی کنترل کند. به عبارت دیگر هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی می‌تواند برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند، گرچه خود به عنوان شاکی خصوصی جزو



ستمیدگان و متضررین اصلی نباشد. همین امر باعث شده که به موازات ارتقاء نقش مثبت دادگستری هند، نقش اشخاص حقیقی و حقوقی نیز در حفاظت از محیط زیست به ویژه برای کمک به افراد تهیدست و مستضعف که تظلم و دادخواهی برایشان با مشقتی همراه است که معمولاً باعث می‌شود از آن صرف‌نظر کنند، اهمیت والایی پیدا کند. حسن دیگر این تجویز آن است که اگر واحدهای اجرایی تابع قوه مجریه که باید به مبارزه با فعالیت‌های مخرب و آلوده‌کننده محیط زیست بپردازند، از انجام دقیق وظایفشان غفلت کنند، شهروندان خود به جای آنها وارد عمل می‌شوند و از دستگاه قضایی کشورشان، دادخواهی می‌کنند. (ارشدی، ۱۳۸۶، ص ۳). در این زمینه به پرونده‌ای که در بایگانی قضایی هند وجود دارد، و مربوط است به شکایت اهالی ایالت تامیل نادو^{۱۶} از نحوه تخلیه فاضلاب کارگاه‌های دباغی آن منطقه می‌توان اشاره کرد. در این پرونده، دادگاه از این که مسئولان ایالتی به موقع هیأت‌های نظارت، موضوع بند سوم از ماده ۳ قانون حفاظت محیط زیست مصوب ۱۹۸۶، را در منطقه تشکیل نداده بودند، اظهار تأسف می‌کند و به دولت مرکزی دستور می‌دهد تا هویت تمامی آسیب دیدگان، آسیب‌زندگان، و مبلغی که باید بابت جبران خسارت پرداخت شود را مشخص سازد. همچنین مسببان آلودگی را به تحمل هزینه‌های باز گرداندن وضع موجود به وضعیت سابق محکوم می‌کند. جالب آن که دیوان عالی هند، در صورت ضرورت، حتی از اعمال قوانین خاص مربوط به محیط‌زیست صرف نظر کرده و با استناد به حقوق بنیادین شهروندان، مصرح در قانون اساسی آن کشور، به صاحبان حرف متذکر شده است که آزادی عمل آنان طبق آن قوانین خاص، باعث مجاز بودن فعالیت‌هایشان که مخرب محیط‌زیست باشد، نیست زیرا داشتن محیط زیست سالم، حق بنیادین هر فرد و نیز بخشی از حقوق اساسی آن کشور است و از این رو قانون عادی نمی‌تواند زایل و ضایع کننده حقوق بنیادین شهروندان باشد. به عبارت دیگر، قوه قضاییه هند با احکامی که در خصوص دعاوی زیست محیطی صادر کرده، در پی تفهیم این معنی است که هر برداشتی از سوی قانونگذار یا عوامل اجرایی از «حق حیات بشر» به عمل آید که از سویی باعث افزایش کیفیت زندگی مردم در یک محیط‌زیست تمیز و سالم نشود و از سوی دیگر متجاوزین و آسیب‌زندگان به



محیط‌زیست، معذور تلقی و از جبران خساراتی که به مردم و محیط زیست وارد کرده اند، معاف گردند، این امر اصل ۲۱ قانون اساسی آن کشور را پوچ و بی خاصیت کرده است. (ارشدی، ۱۳۸۶، ص ۴).

ب) بررسی حقوق محیط‌زیست ایران

قانون اساسی ایران حاوی اصولی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم به حفاظت از محیط‌زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد است. اصل ۵۰ قانون اساسی صریح‌ترین حکم قانونگذار اساسی در این زمینه است:

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

اصل یاد شده در فوق پیام آور این مهم است که مسائل زیست محیطی یک امر کاملاً فرابخشی بوده و می‌بایست کلیه آحاد جامعه علی‌الخصوص سازمان‌ها و دستگاه‌ها، هر یک به فراخور توان و کارآیی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری از محیط‌زیست به‌عنوان یک وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی و یا تخریب غیر قابل جبران محیط‌زیست همراه باشد، خودداری کنند.

در اصول دیگری از قانون مزبور، تضمین حقوق اساسی آحاد ملت و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است به طوری که مفاد این اصول چرخه‌ای به وجود آورده که از سویی پیش نیاز تحقق بسیاری از حقوق یاد شده «محیط زیست سالم» است و از سوی دیگر اعمال صحیح آن سیاست‌ها، مآلاً به حفظ محیط زیست از خرابی و آلودگی می‌انجامد. اهم اصول اشاره شده و احکامی که در بر دارند عبارتند از:

در اصل ۴۵ به‌طور غیرمستقیم اشاره به محیط زیست دارد و ثروت‌های یاد شده در این اصل از جمله انفال و ثروت‌های عمومی و... را جزو میراث مشترک مردم تلقی کرده و



حفاظت از آنها بر عهده حکومت اسلامی گذاشته شده است. همچنان که ملاحظه می‌شود در قانون اساسی از محیط زیست به صراحت نامبرده شده است و حفاظت از آن بر عهده دولت می‌باشد. با این حال، در این اصل به حقوق اساسی افراد جهت بهره‌مندی از محیط زیست تمیز و سالم خاصاً اشاره نشده است.

علاوه بر اصول مزبور، قوانین و آیین‌نامه‌های خاصی نیز برای حفاظت محیط‌زیست مورد تصویب مجلس قانونگذاری کشور و هیأت وزیران قرار گرفته که اهم آنها عبارتند از: قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸،^{۱۷} قانون شکار مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ (اصلاحی سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵)، قانون حفاظت و به‌سازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ (اصلاحیه ۱۳۷۳)، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبزی مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳/۲/۱۸ و نیز فصل بیست و پنجم و ماده ۶۹۰ از فصل بیست و ششم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ ضمن آن که اگر قضات، مفاد این تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ای دولتی را در مخالفت با تأمین هدف اصلی یعنی حفاظت از محیط زیست که در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است، بیابند طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی موظفند تا از اجرای آن مقررات خودداری کنند. همچنان که در صورت بروز واقعه‌ای که حکم آن در قوانین مزبور بیان نشده یا مفاد آنها دارای اجمال، ابهام، نقص و تناقض باشند، قضات می‌توانند بنا به تجویز اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، با استناد به منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر و اصول حقوقی، با تخریب و آلودگی محیط زیست مقابله کنند. همچنین رعایت و استعمال قواعد فقهی چون قاعده‌های «لا ضرر» و «من له الغنم» (طبق این قاعده هر که از چیزی فایده می‌برد باید جبران خسارات وارده از ناحیه آن را بر عهده گیرد) نیز به این منظور کارگشا خواهد بود.

اغلب دعاوی طرح شده از طرف ادارات کل حفاظت محیط‌زیست علیه واحدهای تولیدی و صنعتی که به نحوی موجب آلودگی محیط‌زیست می‌شوند به استناد ماده ۶۸۸ قانون



مجازات اسلامی صورت می‌گیرد. اقدام علیه بهداشت عمومی و آلوده کردن محیط‌زیست و هرگونه اقدام دیگری که به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان محیط‌زیست، بهداشت عمومی را تهدید نماید و یا محیط‌زیست را آلوده نماید مشمول این ماده خواهد بود. در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که محاکم صرفاً با شکایت سازمان محیط‌زیست و یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر اساس ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی اقدام به رسیدگی به شکایات مربوط به آلودگی محیط‌زیست می‌نماید. در حالی که جرم مزبور بر اساس ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی از جرائم قابل گذشت می‌باشد و جنبه عمومی دارد. بنابراین چنین استنباط می‌شود که حتی به غیر از نهادهای مذکور، اشخاص حقیقی و یا حقوقی دیگر نیز می‌توانند علیه شخص یا اشخاصی که موجب آلوده شده محیط‌زیست می‌شوند، نزد مراجع قضایی شکایت نماید.

در ایران سازمان حفاظت محیط زیست و همچنین شهرداری‌ها مأمور اجرای قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست می‌باشند و مسئول هستند تا از آلودگی محیط‌زیست توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی ممانعت کنند. آلودگی محیط زیست در چهار محور مورد نظر می‌باشد: آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی خاک و آلودگی صوتی. هرکدام از این آلودگی‌ها مانع از بهره‌مندی افراد انسانی از محیط‌زیست سالم و پاکیزه خواهد بود. طبق ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد. (مهاجری، ۱۳۸۰، ص ۷۰). در این ماده به آلودگی صوتی اشاره نشده است ولی، با افزایش زندگی ماشینی به نظر می‌رسد ضروری است مقرراتی در مورد آلودگی صوتی نیز وضع شود چراکه صدای مزاحم از عوامل آلوده‌کننده محیط است و زیانهای جسمی و روانی فراوانی را به وجود می‌آورد. از نظر علمی صداهای بالاتر از ۷۰ دسی بل صدائی مضر بوده و عوارضی را به وجود می‌آورد. البته مقررات پراکنده‌ای وجود دارد که تا حدودی می‌شود در این راستا به آنها متوسل شد. ازجمله ماده ۱۰ قانون حفاظت و بهسازی



محیط زیست و ماده ۲۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۳ مجلس شورای اسلامی) که ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز را ممنوع اعلام می‌کند. همچنین طبق ماده واحده قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف (مصوب ۱۳۵۴/۴/۱۲) موتور سیکلت یا موتورهای گازی که به وسیله لوله خروج دود به عمد صدای ناهنجار ایجاد می‌کنند به مجازات نقدی و همچنین توقیف موتور سیکلت به مدت شش ماه محکوم می‌شوند. طبق بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری، شهرداری مکلف است نسبت به تعطیل یا تخریب و انتقال کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و به طور کلی مشاغل و کسبهایی که ایجاد مزاحمت و سروصدا می‌کنند اقدام کند. و همچنین به موجب ماده ۵ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت (مصوب ۱۳۵۲/۵/۱۱) از بین بردن درختان واقع در معابر، پارک‌های عمومی، میادین داخل شهر و همچنین شاهراه‌ها و راه‌های عمومی خارج شهر ممنوع می‌باشد.

وظیفه عمومی مطرح شدن حفظ محیط‌زیست در قانون اساسی از سویی ناظر به دولت و از سوی دیگر ناظر به شهروندان می‌باشد. عمده امکانات از جمله قاعده مند کردن حفاظت از محیط‌زیست بر عهده دولت است و شهروندان چندان اثر مثبتی نمی‌توانند داشته باشند. اگرچه در مواد ۱۰۴ و ۱۰۵ قانون سوم توسعه نکات مثبتی در رابطه با شکل‌گیری NGO ها در این زمینه بیان شده است اما در قواعد موجود تاکنون نتوانسته‌ایم نکات را برای قاعده‌گذاری و تاثیر مثبت شهروندان فراهم آوریم. در ماده ۱۵ از قانون NGO ها در ایران نیز اجازه شکایت از دولت داده شده است اما همین حق نیز در مواردی دچار چالش است زیرا بسترهای لازم برای آن فراهم نیست. لذا تشکلهای غیر دولتی نیز باید این را درک کنند که تسهیلاتی را با هماهنگی فراهم کنند تا با توجه به ساختارهای موجود بتوانند تاثیر گذار باشند. ساختار موجود در قوانین ایران در بحث محیط زیست مربوط به سال‌های ۵۰ و ۵۳ بوده و در واقع قوانین کهنه‌ای هستند. با توجه به ساختار ناقصی که در حال حاضر وجود دارد، چه دولت و چه شهروندان در باب حفاظت از محیط زیست رفتار چندان موثری ندارند.



نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم از حقوق بنیادین بشری است و حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی کشورها به مناسبت‌های مختلف مبارزه با آلودگی محیط‌زیست را سر لوحه افکار و اعمال خود قرار داده‌اند. در عرصه بین‌المللی معاهدات بین‌المللی متعددی به تصویب رسیده است که حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم را به رسمیت می‌شناسند. برخی نیز آلوده کردن محیط‌زیست را اقدام ضد حقوق بشر تلقی می‌کنند. آلودگی محیط‌زیست مساله‌ای جدی است که ملت‌ها و دولت‌ها باید برای آن چاره‌اندیشی کنند. زیرا اساسی‌ترین حق انسانی یعنی حق حیات و حق بهره‌مندی از زندگی سالم در گرو آن است. آلودگی هوا سالانه ۲ میلیون نفر را به کام مرگ می‌فرستد. اصلی‌ترین قربانیان آلودگی هوا را افراد سالخورده، کودکان و شیرخواران، مبتلایان به آسم و بیماری‌های تنفسی مزمن، بیماران قلبی و طبقات محروم اجتماع را تشکیل می‌دهند. باید پذیرفت که جامعه بین‌المللی تا به حال خود را با چارچوبی از اسناد حقوقی با رویکرد و جهت‌گیری توسعه تدریجی حقوق محیط‌زیست بین‌المللی، آماده نکرده است. امروزه پذیرفته شده است که توسعه نیافتگی، انفجار جمعیت و پیامد و نتایج فشار زیاد بر منابع طبیعی و گسترش بیش از حد شهرها، که عمده‌ترین شاخص‌های کشورهای در حال توسعه است، در عین حال به نابودی محسوس محیط‌زیست کمک می‌کند. دولت هندوستان، چه در قانون اساسی و چه به موجب قوانین و مقررات عادی، قواعد و قوانین قابل‌تحسینی را جهت مبارزه با آلودگی محیط‌زیست، به میدان آورده است. از آن گذشته، نقش قضات و رویه قضایی در داخل کشورها نقش چشمگیری است. دیوان عالی هند در موارد متعددی بخش خصوصی و حتی دولت را به دلیل نقض مقررات زیست محیطی و آلوده کردن محیط‌زیست مورد نکوهش قرار داده، حکم لازم را در جهت تأدیه خسارت به کشور یا شخص زیان دیده صادر کرده است. ایران نیز در قانون اساسی خود و همچنین قوانین داخلی، به ویژه قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۸۸) ضمن حمایت از محیط‌زیست، این اصل را که برخورداری از محیط‌زیست سالم و تمیز جزیی از حقوق بنیادین انسانی می‌باشد، پذیرفته است. ولی برخلاف محاکم هند، محاکم ایران هنوز در حمایت از



حقوق افراد در بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم و پاک و استنباط از قانون اساسی و قوانین عادی جسارت لازم را پیدا نکرده‌اند. انتظار می‌رود قوه مقننه در چارچوب قانون اساسی قوانین لازم را جهت حمایت از حقوق افراد در بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم تصویب کند و محاکم نیز جهت مجازات اشخاصی که به نوعی محیط‌زیست را آلوده می‌کنند اقدامات جدی به عمل آورند.





پی‌نوشت‌ها

1. The United Nations Conference on the Human Environment, having met at Stockholm from 5 to 16 June 1972, having considered the need for a common outlook and for common principles to inspire and guide the peoples of the world in the preservation and enhancement of the human environment.
2. GA/Res.217A (III), GAOR, 3rd Sess., Official Records, Part I, Resolutions, p.71. The Declaration was adopted by 48 votes to nine with eight abstentions.
۳. قرآن کریم می‌فرماید: «و ينزل عليكم من السماء ماءً ليطهركم به؛ و از آسمان بارانی بر شما فرو می‌فرستد تا شما را با آن پاک گرداند.» امام کاظم می‌فرماید: «ثلاث يجلبن البصر: النظر الى الخضره و النظر الى الماء الجارى والنظر الى الوجه الحسن؛ سه چیز چشم را جلا و روشنایی می‌دهد: نگاه به سبزه و چمن، نگاه به آب جاری و نگاه به چهره نیکو و زیبا.»
۴. امام رضا می‌فرماید: «الطيب نشره و العسل نشره و الركوب نشره و النظر الى خضره نشره؛ بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم باعث نشاط و شادی می‌شود.»
5. According to Estockolm declaration: man is both creature and moulder of his environment, which gives him physical sustenance and affords him the opportunity for intellectual, moral, social and spiritual growth. In the long and tortuous evolution of the human race on this planet a stage has been reached when, through the rapid acceleration of science and technology, man has acquired the power to transform his environment in countless ways and on an unprecedented scale. Both aspects of man's environment, the natural and the man-made, are essential to his well-being and to the enjoyment of basic human rights the right to life itself.
۶. کنوانسیون حفاظت محیط زیست دریای خزر (۲۰۰۳) محصول توجه کشورهای حوزه بزرگترین دریاچه جهان است. بخش نخست کنوانسیون به تعریف آلودگی ناشی از منابع خشکی، دریایی، بستر دریا و هوایی پرداخته است. سپس دولت‌ها را مکلف کرده تا محیط‌زیست را از آلودگی آن منابع حفظ کنند. برای اجرای تعهدات ارزیابی اثرات زیست محیطی فعالیت‌های خشکی و دریایی و تبادل اطلاعات میان اعضا و تدوین برنامه پیشگیری آلودگی محیط زیست دریای خزر و حتی پرداخت خسارت در قبال نقض تعهد پیش‌بینی شده است. تکمیل تعهدات و رسیدن به اهداف کنوانسیون با پروتکل‌هایی که در آینده تنظیم و امضا می‌شود انجام می‌گیرد. این کنوانسیون می‌تواند ابزار مؤثر حقوقی برای مبارزه با آلودگی دریای خزر باشد. همان‌طور که می‌دانیم، دریای خزر یک دریای بسته است که اصول عام حقوق دریایا مقرر در کنوانسیون حقوق دریایا درمورد آن اعمال نمی‌شود. با درنظر گرفتن این موضوع کنوانسیون فوق که مورد قبول تمامی کشورهای ساحلی منطقه است بسیار حائز اهمیت است. ماده ۳ پروتکل الحاقی حفاظت از محیط زیست، به معاهده جنوبگان، «ارزش ذاتی جنوبگان از جمله زیبایی و جالب توجه بودن آن» را به رسمیت می‌شناسد و برای حفاظت از آن تلاش می‌کند.



7. 12 ILM 1319 (1973) , in force since 1983, 57 parties to the Convention and its protocol.
8. For the text of Convention on the High seas , see 52 AJIL 824 (1958).
9. GA Res. 2997 (XXVII) of Dec.15, 1972, adopted by 116 votes in favour, none against and 10 abstention.
10. see 31 ILM 164 (1992) for Annexes to the Convention.
11. supreme court
12. high courts.
13. Shriram Industry.
14. absolute liability.
15. Union Carbide Corporation.
16. Tamil Nadu.

۱۷. مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی.

منابع

۱. قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۷۰. سوره نمل، آیه ۳۴.
۲. ارشدی، محمد یار، (۱۳۸۶) *نقش رویه قضایی در توسعه حقوق محیط زیست*.
۳. حبیبی، محمد حسن، (۱۳۸۲) «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، دانشگاه تهران، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*.
۴. حسینی، حامد، (۱۳۷۷) «روش شناخت قرآن در اندیشه نوین اسلامی»، فصلنامه پژوهشی *قرآن*، شماره ۱.
۵. شاه ولی، منصور و کاوری زاده، (۱۳۷۸) «باسم»، مجموعه مقالات *اسلام و محیط زیست*، تهران، انتشارات سازمان محیط زیست.
۶. شاه ولی، منصور، (۱۳۷۸) *سیر تحول نظریه های حفاظت خاک و رویکرد آنها در قرن بیست و یکم*، مجموعه مقالات اولین سمینار علمی - کاربردی، و ترویج ماهیگیری، معاونت صید و صنایع وزارت جهاد سازندگی.
۷. *مجموعه قانون مجازات اسلامی*، (۱۳۸۰) معاونت پژوهشی تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری تهران.
۸. *مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست*، (۱۳۷۶) تهران، انتشارات سازمان محیط زیست.



۹. مهاجری، علی، (۱۳۸۰) *دادرسی‌های خارج از نوبت در امور کیفری*، تهران، مجمع عمومی مجد.

10. Alan Boyle , Michael Anderson, Human Rights Approaches to Environmental Protection, Clarendon Paperbacks, Oxford University Press, 1996.
11. Brian Johnson, The UN institutional response to Stockholm: A case study in the international politics of international change, International Organisation, vol. 26, p.257, 1972.
12. Brierly, J., L., Law of Nation, 6th ed. Clarendon Press, Oxford, 1963, p.276.
13. Fawcett ; J. E.S. ; The Law of Nations; London; the Penguin Press; 1968.
14. Kapoor, S., K., International Law, 12th ed., India, centerl Law Agency, 1998.
15. Kiss, A, Droit International de L'Environnement, Paris, A, Pedone, 1989.
16. Kurukulasuriya, L., the Role of the Judiciary in Promoting Environmental Governance Yale Center for Environmental Law and Policy, New haven USA, 2003.
17. Meron, T., Human Rights in International Law, Clarendon press, Oxford, 1984.
18. Olmstead, Cecil J., Prospects for regulation of environmental conservation under international law, in the present State of international law and other essays (1972), p. 245.
19. Orliange, P. ,La Commission de developpement durable. Annuaire Francais de droit International XXXIX, 1993.
20. Paul Gormley, W., Human rights and Environment: The Need for International Cooperation (A.M. Sijthoff, Leyden), 1976. Momtaz, Jamshid, The United Nations and the protection of the Environment: from Stockholm to Rio de Janeiro, Political Geograohy, Vol. 15, No. 3/4, 1996.
21. Robertson, A.H., Human Rights in the World, 3rd ed., 1989
22. Rosencranz, A., environmental Law and Policy in India, Oxford



- university Press New Delhi branch, New Delhi, 2001.
23. Singh, G., Environment law, Lawman Ltd., New Delhi, 1995.
 24. Thakur, k., Environmental protection Law and policy in India, Manav Law house, Allahabad India, 1991.
 25. Verma, S.K., An Introduction to public International Law, Prentice – Hall of India, new delhi, 1998, p. 217.
 26. Weiss, E. B., New Direction in International Environmental Law, new York, 1995.

